گزارش

تماشای انسان و جهان از فراز نردبان

سی‌وپنجمین نشست جمعه‌های پردیس کتاب به بررسی «نردبان آسمان، گزارش کامل مثنوی به نثر» اختصاص داشت

عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

رادمنش| از نشانه‌های آثار ادبی و فلسفی عمیق که برخاسته از اذهان غنی است، این می‌تواند باشد که با گذشت زمان نه‌تنها بیات نمی‌شوند که گهگاه شرح و تفسیر تازه‌ای بر آن‌ها نوشته می‌شود. مثنوی مولوی از این دست آثار است که نه‌فقط در خاستگاه زبان خود که فارسی است، که در جهان شناخته‌شده است. «نردبان آسمان، گزارش کامل مثنوی به نثر» عنوان کتابی است که مؤلفش، محمد شریفی، در آن شاهکار مولانا را به نثر درآورده است تا بتواند هم آن را برای عموم مخاطبان آسان‌یاب‌تر کند و هم به گفته خودش خط کلی‌ای را که در این اثر است عیان‌تر سازد. سی‌وپنجمین نشست جمعه‌های پردیس کتاب که آخرین نشست این سلسله برنامه‌ها در سال جاری بود به نقد و بررسی این اثر اختصاص یافت. در این جلسه، شریفی و دکتر ناصر مهدوی درباره «نردبان آسمان» صحبت کردند و دکتر سلمان ساکت نیز دبیری نشست را بر عهده داشت. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از آخرین جمعه پردیس کتاب در سال ۹۸ است.

برای مولوی داستان ظرف است

دکتر سلمان ساکت به عنوان دبیر نشست، همچون روال دیگر جلسات جمعه‌های پردیس، در ابتدا توضیح و شرحی درباره کتاب ارائه کرد. او گفت: بسیاری از داستان‌هایی که در مثنوی آمده است از منابع پیشین است که البته تغییراتی دارد. داستان برای مولانا حرف اصلی و تمام را نمی‌زده است. او داستان را ظرفی می‌دانسته که مظروف خود را که همان مفاهیم و مطالبی باشد که می‌خواسته برای تعلیم و ارشاد و هدایت به انسان و مریدان و کل هستی عرضه کند، در آن ریخته است، و چه ظرفی بهتر از داستان که در سابقه فرهنگی ما همواره محملی برای انتقال مفاهیم بوده است؟

ساکت با بیان اینکه برای این کتاب حدود ۱۰ سال زمان صرف شده است یادآور شد: جناب شریفی در این کتاب ابتکار جالب توجهی به خرج داده و با استفاده از تغییر فونت و کم‌رنگ یا پررنگ کردن فونت‌ها، مطالب اصلی را از داستان‌ها جدا کرده‌اند. بنابراین وقتی در صفحه‌ای مفاهیم با حروف پررنگ‌تر و داستان‌ها با حروف کم‌رنگ‌تر آمده است، می‌توانید آنجا تفکیک را کاملا شاهد باشید. ابتکار دیگری که به خرج داده‌اند این است که کتاب فقط گزارش مثنوی به نثر نیست و لابه‌لای نثر، ابیات مهم مثنوی هم آمده است. از این رو، شما با یک گزیده خوب از مثنوی هم روبه‌رو هستید.

داستان‌های مثنوی در ظاهر ساده اما بسیار عمیق است

دبیر نشست برای دعوت از مؤلف کتاب، او را چنین معرفی کرد: محمد شریفی، متولد سال ۱۳۴۵، سابقه فرهنگ‌نویسی دارد و مؤلف کتاب فرهنگ ادبیات فارسی است. او از سال ۱۳۷۰ به عنوان مؤلف و ویراستار کتاب‌های مرجع در نشر نو مشغول به کار است. از ایشان کتاب «گفته‌ها و نکته‌ها» نیز منتشر شده است.

شریفی که پشت میکروفون آمد، در توضیح اینکه چرا دست به تألیف این کتاب زده است گفت: همین‌طور که در مقدمه کتاب گفته‌ام، دلم می‌خواست مثنوی را بخوانم و وقتی شما فقط مشغول خواندن هستید، در اثر خیلی دقیق و باریک نمی‌شوید و از بعضی نکات آن می‌گذرید، مثل کتابی که به انگلیسی بخوانید یا بخواهید ترجمه کنید. وقت ترجمه، به نکاتی برمی‌خورید که هنگام خواندن متوجهش نبوده یا از کنارش رد شده‌اید. من هم از این کار همین انگیزه را داشتم. دلم می‌خواست با انجام دادن کاری روی مثنوی، این اثر را با دقت بخوانم. ۵ سال طول کشید که برگرداندن نظم به نثر مثنوی تمام شود. بیش از ۵ سال هم صرف ویرایش نثر و بازخوانی افراد مختلف از آن و صیقل دادن چیزهای مختلف شد.

او ادامه داد: هیچ منظومه‌ای نداریم که این اندازه شرح راجع به آن نوشته باشند زیرا به این شرح‌ها نیاز دارد. گاهی شعرها و داستان‌های مثنوی به‌ظاهر بسیار ساده است اما این مقدار شرح و توضیحی که برای مثنوی نوشته شده است گواهی است بر همین که این اثر به رغم ظاهر ساده، ساده نیست. این می‌تواند توجیه کار ما باشد.

این فرهنگ‌نویس همچنین در توضیح اینکه چرا این اثر را از نظم به نثر برگردانده است یادآور شد: شعر سطح عالی‌تری از ادبیات است به نسبت نثر. من موافق این کار نیستم که شعر را به نثر برگردانند و سطحش را تنزل دهند، اما تنها اثری که انجام این کار روی آن توجیه دارد همین مثنوی است. در مثنوی به‌رغم اینکه با بخش‌های درخشانی از شعر و نظم و هنرنمایی‌هایی در شعر و نظم روبه‌رو می‌شوید، غرض این نبوده است. مثنوی منظومه‌ای تعلیمی است و حرف نویسنده مهم‌تر از صورت و ظاهر و فرم است. مولانا بارها تأکید کرده است هدفش نه قصه‌گویی بوده، نه هنرنمایی در شعر -ولی جالب این است که از آن زیاد استفاده کرده- بلکه او از فرم شعر استفاده کرده است تا قصه‌ها و تمثیل‌ها را بیاورد. مقصود اصلی از اینکه مثنوی را به نثر برگرداندم این بود که به فهم خواننده کمک شود.

مؤلف «نردبان آسمان» همچنین نکته دیگری را گوشزد می‌کند: وقتی مثنوی را بیت به بیت برمی‌گردانید و حتی فهم می‌کنید، یک چیز بسیار بزرگ از دست رفته است، آن هم تسلسل و توالی ابیات است. برای بسیاری مسئله شده است که چرا در مثنوی پراکندگی‌ها و گسستگی‌هایی هست، درحالی‌که اگر شما متوجه رشته‌ای باشید که ابیات را به هم پیوند داده است، خواهید دید این‌طور نیست. درست است که مولانا به‌ظاهر از موضوعی به موضوع دیگری پریده است، ولی حواسش هست که چه می‌کند و به رغم اینکه اساسا بیان مثنوی به این صورت شفاهی و در طی جلساتی بوده، حواسش هم بوده است که چه می‌گوید. بخش دشوار مثنوی پیدا کردن پیوند ابیات با همدیگر و پیدا کردن جان کلام است. شما در کتاب «شرح مثنوی شریف» می‌بینید فروزانفر بیت به بیت مثنوی را توضیح نداده است. آمده ۴، ۵ یا ۸ بیت را معنی کرده است. یک واحد معنایی را پیدا کرده که این بیت‌ها را به هم مربوط کرده است. اگر این‌ها را تک‌به‌تک ببینید، به نتیجه‌ای نمی‌رسید. وقتی این واحد معنایی را به صورت پاراگراف در متن بنویسید، باید توالی معنایی و انسجام داشته باشد.

هرچه دستگاه ذهنی فرهیخته‌تر، برداشت از مولوی عمیق‌تر

دکتر ناصر مهدوی، استاد دانشگاه و پژوهشگر دین و عرفان، دیگر سخنران و منتقد جلسه بود. او از مثنوی به مثابه کتابی شگفت‌انگیز و بسیار عمیق یاد کرد و گفت: این کتاب رسالت دارد در پس ظاهرش ما را به لایه‌های عمیقی ببرد. کافی است با پرسش و با درد وارد این متن و قصه شوید و بعد، از سر عطش و تشنگی رو به سوی مثنوی مولوی بیاورید. آن وقت با آدمی استثنایی روبه‌رو می‌شوید و می‌فهمید چرا در تاریخ باقی مانده و صدایش بلند است. امروز هرچه دستگاه ذهنی ما فرهیخته‌تر و گسترده‌تر می‌شود، هرچه انسان امروز انسان را بهتر و عمیق‌تر بشناسد و با ادبیات انس بیشتری پیدا کند، وقتی سراغ مولانا می‌آید، او را بهتر و بیشتر می‌شناسد.

این استاد دانشگاه بررسی مسیری را که مولوی طی کرده است مهم ارزیابی کرد و افزود: حتما باید مسیری را که طی کرده است از نظر بگذرانیم. تصور نکنیم فقط برخی از آدم‌ها این‌طوری می‌شوند. تمام آرزوی بزرگان این بوده است که ما مسیرهای ظلمات را ترک کنیم و بتوانیم به عرصه‌های روشن‌تری گام بگذاریم. مثنوی در تمام مسیر، همه دست‌وپا زدنش برای این است که مسیر را روشن‌تر کند.

مهدوی با طرح این پرسش‌ها که چه باعث شده به مولانا اقبال نشان داده شود و امروز چه نیازی به مولانا داریم و چه مسئله‌ای در جهان را از طریق این آدم می‌شود حل کرد خاطرنشان کرد: معتقدم جهان و خدا را با مولانا بهتر می‌شود فهمید. با مولانا می‌شود به آرامش روان رسید. در تاریخ، نگاه فقیهان ما غالب‌تر بوده است تا نگاه عارفان ما.

برآیند این بخش از سخنان این پژوهشگر این است که درادامه چیرگی برخی نگاه‌ها، عرفا طرد می‌شوند و درنتیجه سرمشقی دیگرگونه از کتاب شریف و شگفت‌انگیز قرآن به جای می‌ماند. به عبارتی، آنچه پررنگ می‌شود شریعت است که بر معرفت سبقت می‌گیرد. مهدوی تصریح می‌کند: ما آن‌گونه که عشق می‌ورزیم زندگی می‌کنیم. سقف ما به اندازه نردبان‌هایی است که رسم می‌کنیم. ما بر فراز نردبان‌هایی که رسم می‌کنیم جهان را می‌بینیم. ما پیش از این با قواعد، مقررات و احکام آشنا شدیم، اما وارد مثنوی که می‌شوید با یک دنیای درخشان‌تر و انسانی‌تر و اخلاقی‌تر و خلاقانه‌تر روبه‌رو می‌شوید.

کتابخوان

آن‌ها کسی جز خود را به حساب نمی‌آوردند

نگاهی به خاطره‌نگاری‌های اعضای سازمان منافقین
به مناسبت انتشار نسخه تازه‌ای از خاطرات بهمن بازرگانی

سید محسن موسوی‌زاده| در چند دهه اخیر انتشار خاطرات اعضای سابق گروهک منافقین باعث شده است اطلاعات زیادی از تحولات درونی این سازمان از هنگام تأسیس تا دوران حاضر آشکار شود و ابعاد مختلفی از چگونگی تبدیل‌شدن این گروهک به یک سازمان تروریستی حرفه‌ای فاش شود. با این حال، باید در نظر گرفت که هر یک از این خاطرات از یک منظر خاص نوشته شده است. از این رو اطلاعاتی که به خواننده ارائه می‌دهد محدودیت دارد. برای نمونه، برخی‌ها فقط از منظر یک عضو سابق رویدادها را بررسی کرده‌اند. احمد احمد در کتاب «خاطرات احمد احمد»، محسن نجات‌حسینی در «بر فراز خلیج فارس»، مسعود بنی‌صدر در «خاطرات یک شورشی ایرانی» و طاهره باقرزاده در «قدرت و دیگر هیچ» چنین روایتی را ارائه کرده‌اند. در این آثار، به سبب ارائه تغییرات سازمان از دید شخصی، تأثیرات اجتماعی و سیاسی جامعه بر اعضای منافقین کمرنگ‌تر ارائه شده است.

برخی دیگر از کتاب‌ها با دیدگاه آسیب‌شناسی سازمان منتشر شده‌اند. در این راستا حسین احمدی روحانی کتاب «سازمان مجاهدین خلق» و احمدرضا کریمی «شرح تاریخچه سازمان مجاهدین خلق ایران و مواضع آن» را به نگارش درآورده‌اند. از منظر این ۲ نفر، انحراف سازمان ریشه در تفکرات التقاطی‌ای دارد که از همان ابتدا در سازمان نفوذ کرده بود و به‌مرور رشد کرد و در سال ۵۴ خود را به‌صورت ارتداد نشان داد.

در این میان، برخی‌ها هم سعی کرده‌اند با دید جامعه‌شناختی و ساختاری دلایل تغییرات سازمان را جست‌وجو کنند. سیدحجت سیداسماعیلی در کتاب «خداوند اشرف از ظهور تا سقوط» کوشیده است چهارچوب فرقه‌گرایی سازمان را بررسی کند. محمد محمدی (گرگانی) نیز در کتاب «خاطرات و تأملات در زندان شاه» از منظر جامعه‌شناسی تحولات سازمان را بررسی کرده است.

اما افرادی هستند که در بررسی علل انحراف سازمان، ضمن بررسی تاریخچه آن، بین رهبران اولیه و ثانویه تفاوت قائل شده و تلاش کرده‌اند علت‌های انحرافات را در چگونگی تغییر و تحولات رهبران بعدی سازمان پیدا کنند. این‌ها اعتقاد دارند اگر رهبران اولیه می‌ماندند، شاید سرنوشت سازمان تغییر می‌کرد. یکی از افرادی که چنین نظری دارد لطفا... میثمی است. او در سال‌های اخیر در نشریات مختلف و مصاحبه‌هایی که ارائه داده همین خط را دنبال کرده است. به‌تازگی نیز جلد سوم خاطراتش با عنوان «تولدی دوباره، پله‌پله از تا خدا تا با خدا» منتشر شده است.

همچنین اخیرا بهمن بازرگانی خاطرات خود را از زمان فعالیت در این سازمان با عنوان «بهمن بازرگانی، گفت‌وگوها، خاطرات و مقالات تحلیلی درباره سازمان مجاهدین، جنبش چپ و انقلاب اسلامی» در نشر نی منتشر کرده است. او دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران و از اعضای حلقه اولیه و مرکزیت سازمان منافقین در دوره ابتدایی تأسیس آن است، دوره‌ای که از سال ۴۶ تا ضربه شهریور ۵۰ به طول انجامید. در این دوره، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن، علی‌اصغر بدیع‌زادگان، علی میهن‌دوست، ناصر صادق، محمد بازرگانی (برادر بهمن)، علی باکری، محمود عسکری‌زاده، رسول مشکین‌فام، مسعود رجوی، حسین روحانی و بهمن بازرگانی اعضای مرکزیت سازمان را تشکیل داده بودند که پس از دستگیری گسترده اعضای سازمان در شهریور ۵۰، تنها بهمن بازرگانی و مسعود رجوی از این جمع اعدام نشدند. حسین روحانی، دیگر عضو مرکزیت، هم به واسطه حضور در خارج از کشور اعدام نشد. البته بازرگانی در سال گذشته کتاب خاطراتش را با عنوان «زمان بازیافته» در نشر اختران منتشر کرده بود. با این حال، احاطه نداشتن مصاحبه‌کننده بر موضوع سبب شد در همان زمان به کتاب انتقادات زیادی شود. به نظر می‌رسد این بار نشر نی درصدد برآمده است کاستی‌های کتاب قبلی را با انتشار این کتاب برطرف کند.

بهمن بازرگانی

بخش اول کتاب جدید شامل روایت‌هاست از رویدادها یا به عبارتی آنچه پیش آمده است از دیدگاه افراد. بهمن بازرگانی در این کتاب، متکلم وحده خاطرات نیست. در هر جلسه‌ای که با مصاحبه‌کننده دارد، از دوستی دعوت کرده است تا حول محوری، نوعی جریان آزادِ روایت صورت گیرد. آن‌ها ضمن یادآوری برخی از رویدادها، درصدد وصل کردن وقایع به هم بودند تا به‌اصطلاح داستان سازمان معنا پیدا کند.

در بخش دوم، بازرگانی با دست‌مایه کردن بخشی از خاطراتش سعی می‌کند تاریخ سازمانی را که در جوانی عضوش بوده است توضیح دهد. بررسی تأثیر اندیشه‌های مهندس بازرگان، آیت‌ا... طالقانی و دکتر یدا... سحابی بر اعضای اولیه سازمان یکی از خواندنی‌ترین قسمت‌های این بخش است. تلاش‌های بازرگانی برای یافتن ارتباط بین دین و علم، نظر آیت‌ا... طالقانی درباره تکامل معنوی انسان‌ها و لزوم مبارزه با افرادی که مانع این تکامل می‌شوند و نظر دکتر سحابی درباره تکامل انسان از مواردی است که بر رهبران اولیه سازمان تأثیر گذاشته است.

«درباره ویژگی‌های سازمان» از دیگر بخش‌های کتاب است که ارتباط بین اندیشه‌های سازمان و عملکرد آن را بررسی می‌کند. بازرگانی در این بخش می‌گوید که آن‌ها تشکیلات خود را به‌گونه‌ای سامان داده بودند که در عمل جز حلقه کوچک خودشان کسی را به‌حساب نمی‌آوردند. مقدس‌سازی سازمان سبب شده بود هر فردی که رهبری آن را به دست می‌گرفت، خود را صاحب قدرتی کنترل‌ناپذیر بداند.

در بخش پایانی، راوی نظر خود را درباره ورود گروهک منافقین به فاز نظامی و التقاطی بودن آن‌ها بیان می‌کند. در این بخش او تأکید می‌کند که بت‌سازی سازمان و حذف استقلال هویت و شخصیت اعضا کاستی بزرگ آن است که بر عملکردش تأثیر زیادی از گذشته تاکنون گذاشته است.

نگارستان

هنر بدون مرز

اولین نمایشگاه آثار هنری مشترک هنرمندان ایران و افغانستان با عنوان «هنر بدون مرز» در مشهد برپا شده‌است و فرهنگ‌سرای غدیر میزبان این رویداد هنری است. «هنر بدون مرز» تا یکشنبه ۲۷ بهمن از ساعت ۹ تا ۱۹ میزبان بازدیدکنندگان است. فرهنگ‌سرای غدیر بین تقاطع شهید رستمی و شهید شیرودی واقع شده است.

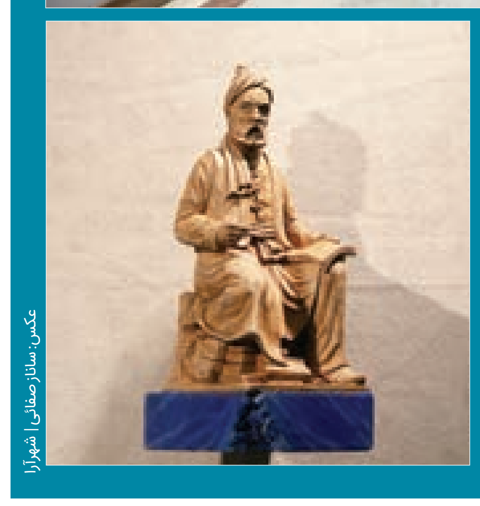

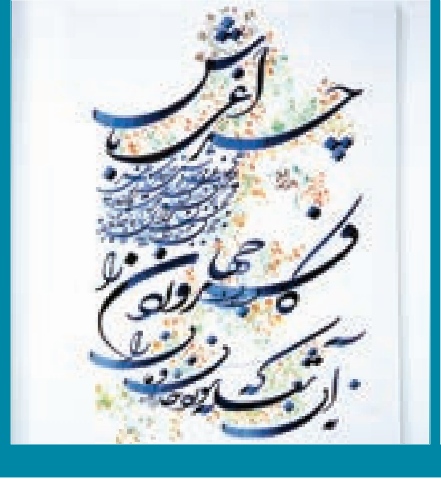

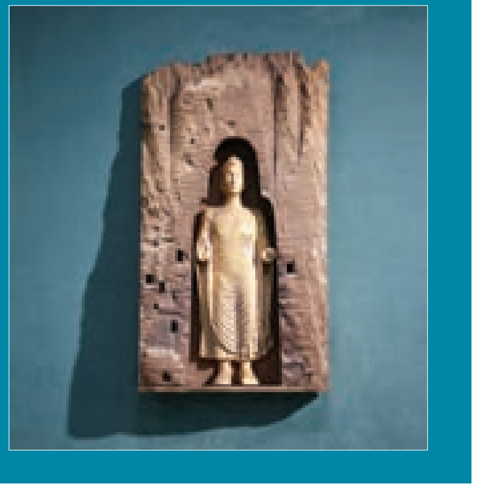

عکس: ساناز صفائی | شهرآرا

رونق سینمای کمدی در ایام جشنواره

آمار فروش سینماهای مشهد در جشنواره فیلم فجر

نگار راد| از آنجایی که در روزهای اخیر پنج سینمای مشهد میزبان هفدهمین دوره جشنواره فیلم فجر و در گیرودار اکران فیلم‌های جشنواره بودند، جدول فروش سینماهای مشهد را در این هفته اختصاص دادیم به فروش فیلم‌هایی که هم‌زمان با جشنواره یعنی از ۱۵ تا ۲۱بهمن به اکران عمومی‌شان در شهر ادامه دادند.

فروش فیلم‌ها در این ایام نشان می‌دهد که نمایش فیلم‌های جشنواره در پنج سینمای هویزه، اطلس، ویلاژتوریست، گلشن و آفریقا و اختصاص سالن‌های اصلی این سینماها به این رویداد ملی، بر فروش دیگر فیلم‌های جشنواره تاثیر چندانی نگذاشته است. شاید مهم‌ترین دلیل فروش خوب سینماها در این ایام را بتوان اکران چهار فیلم کمدی دانست. فیلم‌های «مطرب»، «جهان با من برقص»، «چشم‌وگوش‌بسته» و «زیرنظر» که به‌ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم جدول فروش سینماهای مشهد را در اختیار دارند، در روزهایی که فضای سینماها تحت‌تاثیر جشنواره فیلم فجر بود، همچنان توانستند مخاطبان بسیاری را به سینماها بکشانند. فیلم «۲۳نفر» نیز که در هفته‌های قبل در رتبه پنجم جدول قرار داشت، با فروش درخور توجه در ۱۰روز برگزاری جشنواره فیلم فجر، توانست رتبه پنجمی خود را حفظ کند. شاید بیشترین تاثیر اکران فیلم‌های جشنواره فجر بر روی فیلم‌هایی بود که نتوانستند به کف فروش برسند، حتی اکران برخی فیلم‌ها از جمله «امیر»، ساخته نیما اقلیما، «مشت آخر»، اثر مهدی فخیم‌زاده و «اولین امضا برای رعنا»، ساخته علی ژکان، در این روزها به پایان رسید. از دیگر نکات جالب توجه جدول فروش سینماها در دهه فجر، افزایش فروش سینماسیمرغ مشهد است. سیمرغ تنها پردیس سینمایی مشهد است که امسال در جشنواره فیلم فجر حضور نداشت.

لازم به ذکر است اکران‌های جشنواره فیلم فجر ۲۱بهمن پایان یافت و سینماهای مشهد از سه‌شنبه ۲۲بهمن با اکران چهار فیلم جدید با نام‌های «بی‌وزنی»، «دوئت»، «نرگس مست» و «یادم تو را فراموش» به استقبال فصل جدید اکران رفته‌اند.

برای مشاهده جزئیات کامل فروش سینماهای مشهد در هفته گذشته این کد را اسکن کنید

ردیف	نام فیلم	جمع(ریال)
۱	مطرب	۹۹۹/۴۷۰/۰۰۰
۲	جهان با من برقص	۹۴۱/۸۹۰/۰۰۰
۳	چشم و گوش بسته	۷۷۹/۲۴۰/۰۰۰
۴	زیرنظر	۶۲۴/۶۵۰/۰۰۰
۵	۲۳ نفر	۴۸۰/۷۲۰/۰۰۰
۶	بنیلین	۳۴۴/۱۳۰/۰۰۰
۷	تورنادو	۲۶۰/۷۲۰/۰۰۰
۸	جان‌دار	۱۷۷/۵۰۰/۰۰۰
۹	منطقه پرواز ممنوع	۱۲۳/۶۲۰/۰۰۰
۱۰	اژدر	۱۰۲/۳۰۰/۰۰۰
۱۱	کاتی و ستاره	۹/۳۹۰/۰۰۰
۱۲	آخرین داستان	۶/۷۷۰/۰۰۰
۱۳	قطار آن شب	۶/۲۸۰/۰۰۰
۱۴	آشفتگی	۲/۸۰۰/۰۰۰

آمار ارائه شده براساس پنل گزارش‌گیری سینماشهر است

جدول فروش سینما و تئاتر در مشهد

اقبال به «کارناوال خون»

جدول فروش اینترنتی تئاترهای مشهد در هفته‌ای که گذشت

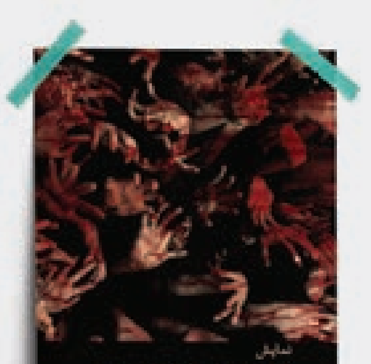

در دو هفته اخیر تئاتر مشهد رنگ‌وبوی تازه‌ای به خود گرفته و اجراهای متعددی روی صحنه رفته است، به‌طوری که تقریبا تمام سالن‌های تئاتر مشهد این روزها میزبان یک نمایش هستند.

درمیان این نمایش‌ها، اثر تراژدی موزیکال «کارناوال خون» به کارگردانی مهدی شمس که در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه رفته، با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده و توانسته است در رتبه اول جدول فروش هفتگی تئاترهای مشهد قرار بگیرد.

در رتبه دوم جدول این هفته، کمدی «رومولوس» به کارگردانی قیس یساقی جای دارد. این نمایش در تماشاخانه استاد نوری در حوزه هنری مشهد اجرا می‌شود. نمایش‌های «جام آلبالو»، «آنومی» و «زال و رودابه» سه اثر دیگری هستند که با اقبال تماشاگران در این هفته در رتبه‌های سوم تا پنجم جای گرفته‌اند.

«موسیقی مجلسی»، «دست‌های آلوده»، «شب قاصدک»، «بازی»، « قدم زدن بر روی خطوط زرد خطر» و «کفاش و بچه‌هایش» دیگر نمایش‌هایی هستند که در هفته گذشته در سالن‌های تئاتر مشهد به روی صحنه رفته‌اند.

ردیف	نام نمایش	جمع(ریال)
۱	کارناوال خون	۳۰۱/۸۵۰/۰۰۰
۲	رومولوس	۱۹۵/۹۵۰/۰۰۰
۳	جام آلبالو	۹۶/۹۰۰/۰۰۰
۴	آنومی	۹۶/۸۶۰/۰۰۰
۵	زال و رودابه	۵۹/۳۵۰/۰۰۰
۶	موسیقی‌مجلسی	۴۷/۲۰۰/۰۰۰
۷	دست‌های آلوده	۱۶/۴۰۰/۰۰۰
۸	شب قاصدک	۱۶/۱۶۰/۰۰۰
۹	بازی	۶/۹۵۰/۰۰۰
۶	قدم زدن بر روی خطوط زردخطر	۶/۹۰۰/۰۰۰
۷	کفاش وبچه‌هایش	۵/۵۸۰/۰۰۰

زندگی با سینما

سیمای مادر در قاب سینما

نگاهی به چند فیلم خاطره‌انگیز که با محوریت مادران ساخته شده است

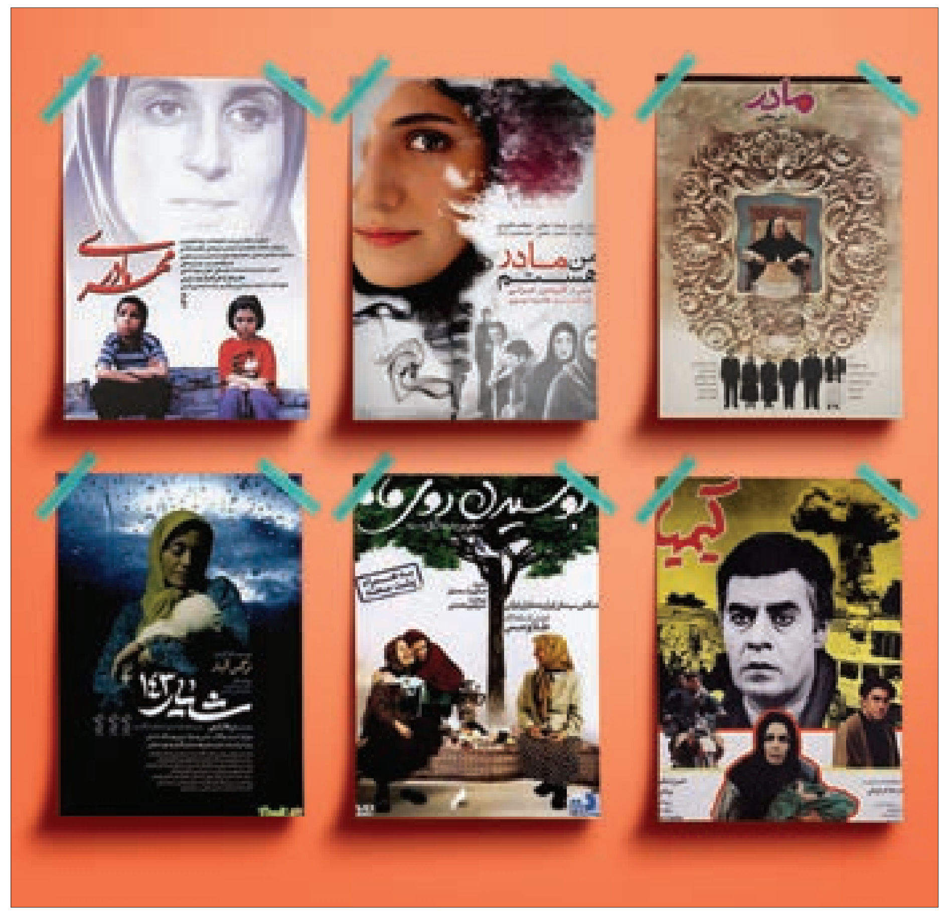

غلامرضا زوزنی| ناتوانی سینما و تلویزیون در تولید فیلم سینمایی یا سریال برای یگانه بانوی اسلام، حضرت فاطمه‌زهرا(س)، علل متفاوتی دارد؛ عللی که بخشی از آن به حساسیت موضوع مربوط برمی‌گردد و بخش مهمش قطعا مربوط به کم‌کاری و کوتاهی فعالان سینما و تلویزیون است. غیر از نحوه و اتفاقات شهادت ایشان، نقاط متعدد و قابل اتکا و دراماتیکی در زندگی این بانوی گرامی وجود دارد که می‌توان با پرداخت به آن‌ها، بخشی از عطر فاطمی را در جریان فیلم‌سازی سینما و تلویزیون جاری ساخت، با این حال روز ولادت بانوی اسلام که روز مادر نام‌گذاری شده، سوژه ساخت و تولید فیلم شده است، به‌طوری‌که فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بی‌شماری با موضوع مادر، در چند دهه اخیر ساخته شده است. فیلم‌هایی که احساسات هر بیننده‌ای را پس از تماشایش برمی‌انگیزد و گویی تنها یک واژه در دایره لغات او معنا دارد: «مادر»

و آن‌که مادر دارد دلش می‌خواهد او را در آغوش بکشد و قدردان بودنش باشد و آن‌که از نعمت مادر بی‌بهره است، حسرت جای خالی‌اش را می‌خورد.

بی‌شک در سینما و تلویزیون فیلم‌هایی که با کلیدواژه مادر تولید شده است، فراوان است که هرکدام از منظر و نگاهی به موضوع مادر نگریسته است. یکی مسائل و مشکلات آن‌ها را مطرح کرده و دیگری احساس و عواطفشان را برای بیننده یادآوری کرده است تا مهر مادری و اهمیت قدردانی از مادر را به ما گوشزد کند. در این نوشتار ما به مرور فیلم‌هایی می‌پردازیم که علاوه بر خاطره‌انگیز بودن برای عموم مردم، در آن‌ها حس مادری ارتباط تنگاتنگی با صبوری، فداکاری و عاشقی دارد.

مادر مرد، از بس که جان ندارد

شاید یکی از فیلم‌های سینمایی که همه ما بارها آن را دیده‌ایم و هرچندبار دیگر هم آن را ببینیم بازهم تماشایی است، فیلم سینمایی «مادر»، ساخته شاعر سینمای ایران، علی حاتمی باشد. ۳۰سال از تولید این فیلم می‌گذرد و تاکنون ده‌ها بار از تلویزیون پخش شده است. در این فیلم، مادر همانند شیرازه یک خانواده عمل می‌کند و فرزندانش را که هرکدام برای زندگی به گوشه‌ای رفته و از هم دور افتاده‌اند، در آخرین روزهای حیاتش دورهم جمع می‌کند. آنچه این فیلم را دیدنی می‌کند، لحن شاعرانه مرحوم حاتمی در فیلم است که از اعماق وجودش برآمده و حس خود به مادرش را که مشابه حس همه انسان‌هاست، به تصویر کشیده است.

نقش‌آفرینی مرحوم رقیه چهره‌آزاد درکنار بازیگرانی همچون محمدعلی کشاورز، اکبر عبدی، امین تارخ و... به فضای شاعرانه و احساسی فیلم قوت داده است، آن‌چنان که دو سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از هشتمین جشنواره فیلم فجر را برای این فیلم به ارمغان آورده است.

دلتنگی برای مادر

شاید آن‌هایی که هرگز مادری به خود ندیده و طعم محبتش را نچشیده‌اند، بهتر و بیشتر قدر و اهمیت مادر و مهر مادری را برای دیگران یادآوری کنند. همین مسئله را کمال تبریزی در سال ۱۳۷۶ جلوی دوربین برد و از آن یک فیلم سینمایی سراپا احساس به نام «مهر مادری» ساخت.

در این فیلم یک نوجوان بزهکار با نام مهدی(با بازی حسین سلیمانی) که پدر و مادرش را از دست داده است، تصویر می‌شود که براساس تصوراتش گمان می‌کند خانم فهیمی (با نقش‌آفرینی فاطمه معتمدآریا)، مددکار اجتماعی‌اش، مادر فوت‌شده اوست. مهدی که هیچ‌گاه باور نمی‌کرد مادرش را از دست داده است، همه تلاشش را می‌کند تا مددکارش را راضی کند جای مادرش باشد. این فیلم در یک روایت سینمایی، اهمیت و جایگاه مادر را در زندگی به مخاطب یادآوری می‌کند و بی‌شک پس از تماشای آن، هر بیننده‌ای دلتنگ مادرش می‌شود. قطعا آن‌هایی که مهر مادری را درک کرده‌اند، نخواهند توانست جایگزینی برای آن پیدا کنند و «مهر مادری» هم سعی می‌کند همین موضوع را به ما بفهمانند.

فطرت مادرانه زن

سیمای مادر در سینما و تلویزیون همواره با اتفاقات اجتماعی متعددی پیوند خورده است. یکی از آن رویدادهای عظیم که می‌توان مهر و محبت مادرانه را در آن جست‌وجو کرد، دفاع مقدس است. این دوره هشت‌ساله به‌عنوان یکی از دوران مهم تاریخ معاصر کشورمان، همواره پر از مهر و عاطفه مادرانه بوده است. بسیاری از مادران سرزمینمان با ازخودگذشتگی، فرزندانشان را برای دفاع از میهن به جبهه‌ها فرستادند و پس از آن اتفاقاتی پیچیده برایشان رقم خورد. «میم مثل مادر»، ساخته مرحوم رسول ملاقلی‌پور، «بوسیدن روی ماه»، اثر همایون اسعدیان و «شیار ۱۴۳»، به کارگردانی نرگس آبیار، همه نمونه‌هایی از این دست فیلم‌ها هستند که مهر و عاطفه مادرانه را در لحظات سخت و دشوار برای بینندگانشان یادآوری می‌کنند. فیلم سینمایی «کیمیا» که آن را احمدرضا درویش در سال‌های پس از جنگ ساخت، درمیان همه این فیلم‌ها جنبه متفاوتی از مهر مادرانه در وجود زن را به ما نشان می‌دهد. شکوه(با بازی بیتا فرهی)، پرستاری است که در جبهه‌های نبرد برای یاری رساندن به رزمندگان حضور دارد. او مجبور است نوزادی را که در معرکه به دنیا آمده و مادرش سر زا از دنیا رفته و پدرش هم به دست رژیم بعث اسیر شده است، نگه‌دارد. شکوه این نوزاد را با خود به مشهد که محل زندگی‌اش است، می‌برد و از او مادرانه نگهداری می‌کند. هنگامی که رضا(خسرو شکیبایی)، پدر نوزاد، از اسارت آزاد می‌شود، متوجه رابطه عمیق و عاطفی میان آن پرستار و دخترش کیمیا می‌شود. پرستاری که هیچ پیوند خونی و عاطفی با نوزادی که او را از معرکه نجات داده است ندارد، به‌خاطر فطرت مادرانه‌اش چنان به کیمیا وابسته می‌شود که به پدرش، رضا، از خیر زندگی با تنها بازمانده‌اش می‌گذرد.

چشم‌انتظاری مادرانه

در همین ژانر دفاع مقدس فیلمی با عنوان «بوسیدن روی ماه» اثر همایون اسعدیان، ساخته شده است که در آن به درک مادرانه اشاره دارد. داستان فیلم روایتگر زندگی ۲مادری است که خواهرخوانده هم هستند. احترام‌سادات و فروغ خانم (به ترتیب با بازی شیرین یزدان‌بخش و رابعه مدنی) هر ۲ فرزندانشان را در راه دفاع از میهن فدا کرده‌اند. آن‌ها سال‌هاست منتظر بازگشت فرزندان شهیدشان هستند، اما تنها پیکر فرزند احترام‌سادات باز می‌گردد. احترام‌سادات تصمیم می‌گیرد فرزند خود را به جای فرزند فروغ جا بزند تا دل خواهرخوانده‌اش را آرام کند.

این فیلم فارغ از تمام لحظات تأثیرگذاری که در بیان احساس و عواطف مادرانه دارد، نشان‌دهنده آن است که حس مادری میان همه مادران در عین حالی که مشابه به نظر می‌رسد، اما هرگز شبیه به هم نیست.

«شیار ۱۴۳» نیز یکی از عجیب‌ترین فیلم‌ها برای به تصویر کشیدن حس مادرانه در سینمای ایران است. این فیلم که دومین ساخته نرگس آبیار است، انتظار مادری را برای بازگشت فرزندش از جبهه تصویر می‌کند. مخاطب لحظه‌به‌لحظه پیرشدن و منزوی‌شدن این مادر چشم‌انتظار را می‌بیند و با تمام وجود در لحظات شادی و ناراحتی با او همراه می‌شود. بازی تأثیرگذار و پراحساس مریلا زارعی در «شیار ۱۴۳» برای او سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن در سی‌ودمین جشنواره فیلم فجر را به ارمغان آورد.

اتهام مادرانه

درمیان همه فیلم‌هایی که درباره مهر و عاطفه مادرانه ساخته شده‌اند، فیلم سینمایی «من مادر هستم»، اثر فریدون جیرانی، نگاهی متفاوت به مسائل اجتماعی مادران دارد. در فیلم این سینماگر مشهدی، می‌بینیم که ناهید(هنگامه قاضیانی)، مادر آوا(باران کوثری) که زندگی مشترکش را از دست داده است و رابطه خوبی هم با دخترش ندارد، با ازخودگذشتگی، اتهام قتلی را برعهده می‌گیرد که دخترش آن را مرتکب شده است. به نظر می‌رسد «من مادر هستم» تلاش می‌کند به نقش مادر و جایگاه او در تحکیم ارکان خانواده بپردازد. این را که یک مادر چگونه می‌تواند باعث سعادت و حتی بیچارگی اعضای خانواده‌اش شود، می‌توان در این فیلم دید و بیشتر از پیش به نقش و جایگاه مادر در خانواده پی برد. شاید این برداشت از فیلم قدری ظالمانه باشد، اما با استناد به فیلم می‌توان گفت مادران همان‌طور که ضامن خوشبختی اعضای خانواده‌شان هستند، به از بین رفتن این خوشبختی هم متهمند.

هنر شهری

برگزاری جشنواره ملی نقالی و شاهنامه‌خوانی در مشهد

فراخوان شرکت در دومین جشنواره ملی نقالی و شاهنامه‌خوانی منتشر شد

گروه هنرا| معاون گردشگری و زیارت سازمان اجتماعی‌وفرهنگی شهرداری مشهد از برگزاری دومین جشنواره ملی نقالی و شاهنامه‌خوانی با حضور کودکان و نوجوانان سراسر کشور در مشهد خبر داد. به گفته نرگس شالچیان، جشنواره ملی نقالی و شاهنامه‌خوانی با هدف بیان آموزه‌های اخلاقی شاهنامه، آشنا کردن کودکان و نوجوانان با آیین پهلوانی، جوانمردی و ارزش‌های والای انسانی در مشهد برگزار می‌شود.

او با بیان اینکه جذابیت نهفته در شاهنامه، قدرت یادگیری را افزایش می‌دهد و در این جشنواره نکات آموزشی، اخلاقی، عرفانی و... را نیز به کودکان و نوجوانان می‌آموزند، گفت: برگزاری جشنواره نقالی با محوریت کودک و نوجوان به گسترش فرهنگ شاهنامه کمک شایانی می‌کند و موجب پیوستگی ملی و مذهبی می‌شود. از دیگر مزایای این برنامه، آن است که کودکان و نوجوانان کشور با هر قومیت یا باوری را به‌هم نزدیک می‌کند و این جشنواره به ایجاد انگیزه در هم‌سالان آنان منجر می‌شود. فراخوان این جشنواره از ۱۵بهمن آغاز شده است و تا ۱۵اسفند ادامه دارد. در این مدت، متقاضیان شرکت در جشنواره در دو گروه سنی ۵ تا ۹سال و ۱۰ تا ۱۵سال می‌توانند فیلم اجرای نقالی و شاهنامه‌خوانی خود را با حجم حداکثر ۲۵مگابایت در سایت visit.mashhad.ir بارگذاری کنند.

پس از آن، مرحله داوری تخصصی انجام می‌شود و ۶۰نفر انتخاب خواهند شد که آثارشان از ۲۵اسفند۹۸ تا ۱۵فروردین ۹۹ در سایت آپارات بارگذاری می‌شود تا با کمک آرای مردمی نیز سنجش شود. هم‌زمان داوری تخصصی نهایی نیز صورت خواهد گرفت و درنهایت ۲۵برگزیده طی دو روز در سوم و چهارم اردیبهشت۹۹ در مشهد بر روی صحنه به رقابت می‌پردازند.

لازم به ذکر است از هرگروه سنی سه نفر در این رقابت، برگزیده می‌شوند و جوایزی به آنان اهدا خواهد شد. متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۱۳۵-۰۵۱ (تلفن خدمات گردشگری و زیارت شهرداری مشهد) تماس بگیرند.

افتخاری دیگر برای سینماگر مشهدی

«زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند» جایزه بهترین فیلم بلند داستانی جشنواره مستقل کالیفرنیا را کسب کرد

«زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند» اولین فیلم سینمایی امیراطهر سهیلی، سینماگر مشهدی، جایزه بهترین فیلم بلند داستانی جشنواره مستقل کالیفرنیا (IndieFEST) را از آن خود کرد.

جشنواره یادشده در فهرست ۱۰۰جشنواره برتر سینمایی دنیاقرار دارد و بهمن هرسال در آمریکا برگزار می‌شود. در بیانیه هیئت داوران جشنواره، دلیل انتخاب «زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند» به‌عنوان بهترین فیلم، خلاقیت در روایت داستان متفاوتش اعلام شده است. در خلاصه داستان این فیلم که لعیا زنگنه به‌عنوان تنها بازیگر در آن نقش آفریده، آمده است: «هزاران سال قبل یونس شک می‌کند، می‌لغزد و آنجا که باید داستانش در اوج تمام شود، طعمه ماهی شده، شکم ماهی آغاز داستان یونس می‌شود و اکنون هزاران سال بعد ژاله شک می‌کند، می‌لغزد و آنجا که باید داستانش در اوج تمام شود، «زنانی که با گرگ ها می‌دوند» آغاز می‌گردد.» تهیه کنندگی این فیلم به‌عهده محمدرضا شرف‌الدین بوده است و فیلم‌نامه آن را امیراطهر سهیلی به‌همراه حسام سامری‌زاده به نگارش درآورده است.

تدوین فیلم را حسن حسن‌دوست انجام داده و مدیریت فیلم‌برداری، تولید، دوبلاژ، جلوه‌های ویژه و چهره‌پردازی این اثر سینمایی به‌ترتیب به‌عهده علی عظیم‌زاده، حسین رستم‌پور، محمدرضا صولتی، علی ابراهیمی ثانی و امید گلزاده بوده است. میثم نوریان، محبوبه سلطانی و سینا افشار نیز به‌ترتیب طراحان صحنه، لباس و گرافیک این فیلم سینمایی هستند. همچنین آهنگ‌سازی «زنانی که با گرگ‌ها دویده‌اند» را میلاد قنبری انجام داده است.

صاحب‌خبر

بازگشت «علیدوستی» به سینما پس از ۴ سال

فیلم‌برداری فیلم سینمایی «اورکا» به پایان رسید

فیلم‌برداری فیلم سینمایی «اورکا» به کارگردانی سحر مصیبی و تهیه‌کنندگی طهورا ابوالقاسمی و با بازی ترانه علیدوستی به پایان رسید. این فیلم پس از نزدیک به سه ماه فیلم‌برداری در شمال ایران، چابهار و تهران، وارد مرحله پس از تولید شده است. علاوه‌بر ترانه علیدوستی، مهتاب کرامتی، مسعود کرامتی، مهتاب نصیرپور، ارمیک قریبیان، محمد رشنو، حسن زارعی، فاطیما نیشابوری و سپیده علایی در «اورکا» نقش می‌آفرینند. لازم به ذکر است مهتاب کرامتی درکنار بازی در این فیلم، عهده‌دار طراحی لباس نیز بوده است. همچنین سامان مقدم به‌عنوان مشاور کارگردان در پروژه «اورکا» حضور دارد.